

مرکز بررسی‌ها و مطالعات راهبردی - نکته روز شماره ۱۵ - بیست و سوم شهریور ۹۳

عبور ترکیه از بحران تورم افسار گسیخته در گفت و گو با اوزگور دمیرکل، اقتصاد دان صندوق بین المللی پول

بانک مرکزی بازیگر اصلی

اوزگور دمیرکل، اقتصاد دان ترکی است که برای چندین سال عضو تیم تحقیقاتی صندوق بین المللی پول بوده و روی اقتصاد ایران کار می کند. او که چندین بار به ایران سفر کرده است، با توجه به تجربه خود در مورد کنترل تورم در ترکیه، توصیه هایی برای معضل تورم در ایران دارد. متن زیر بر اساس گفت و گو با وی در مورد چگونگی کنترل تورم و اصلاحات پولی مورد نیاز شکل گرفته است.

ترکیه چگونه توانست تورم های فزاینده را کنترل و تورم بیش از ۷۰ درصدی سال ۲۰۰۱ را تک رقمی کند؟

قبل از بحران سال ۲۰۰۱، ترکیه بیش از ۲۵ سال با تورم بالا و مزمن دست و پنجه نرم می کرد. با وجود تحولات گسترده در سیاست های اقتصادی میانگین نرخ تورم ترکیه در این دوران ۳۰ درصد بود. در طول دهه ۱۹۷۰ و هنگامی که سیاست جایگزینی صادرات و نظام تثبیت نرخ ارز به سقوط ارزش پول منجر شد، تورم باز هم افزایش یافت. به همین ترتیب، پس از سیاست های آزاد سازی در دهه ۱۹۸۰ و تشدید تکانه های خارجی در دهه ۱۹۹۰ تورم سیر صعودی در پیش گرفت. در پایان دهه ۱۹۹۰ اقتصاد در حالت رکود قرار گرفت و تورم به بالای ۵۰ درصد رسید. همزمان نرخ های واقعی بهره و الزامات وام گیری در بخش دولتی میزان بدهی دولت را به سطوح ناپایدار رساند.

تورم بالا عمدتاً محصول مشکلات دنباله دار در امور مالی بخش دولتی بود. تسلط مالی نقشی حیاتی داشت؛ به ویژه کسری مالی شدیدی که توسط بانک مرکزی و از طریق چاپ پول تامین می شد. این امر به همراه سیاست های قیمت گذاری آب و برق و انرژی توسط دولت به منظور افزایش درآمدها برای جبران کسری بودجه و افزایش سخاوتمندانه حقوق و دستمزدها - بدون افزایش سطح بهره وری - به بالا رفتن تورم کمک کرد.

هماهنگ سازی قراردادهای بر اساس شاخص تورم فراگیر شد و خودثباتی در تورم ایجاد کرد که شکست ناپذیر به نظر می‌رسید. به دلیل بی‌ثباتی در محیط سیاسی و اقتصاد کلان اکثر تلاش‌ها برای مهار تورم با شکست مواجه می‌شدند. علاوه بر این سیاست‌های پولی پوشش دهنده در طول این دوره ثبات تولید و مالی را بر ثبات قیمت‌ها اولویت می‌داد.

با وجود این پیش‌زمینه، در دسامبر ۱۹۹۱ و با حمایت صندوق بین‌المللی پول، ترکیه برنامه مبارزه با تورم و ایجاد ثبات را بر مبنای نرخ ارز آغاز کرد. این برنامه در کاهش تورم موفقیتی ابتدایی داشت و همزمان با افزایش جریان سرمایه به داخل کشور نرخ واقعی ارز تعدیل شد. کاهش نرخ بهره و تعدیل نرخ ارز مصرف و سرمایه‌گذاری را تحریک کرد و رقابت پذیری را کاهش داد و سرانجام به کسری شدید حساب جاری منجر شد. ناکامی در مستحکم سازی سیاست مالی برای کنترل تقاضای داخلی و همچنین آسیب پذیری بخش بانکی باعث شد برنامه شکست بخورد و در فوریه ۲۰۰۱ عمیق‌ترین بحران اقتصادی تاریخ ترکیه روی دهد.

بحران سال ۲۰۰۱ تحول کامل چارچوب سیاست اقتصادی و اجرای گسترده اصلاحات ساختاری در اقتصاد را الزامی کرد. این تحولات و اصلاحات زیربنای موفقیت برنامه ترکیه بودند. با اتخاذ نظام شناور نرخ ارز، اهداف سختگیرانه مالی و اجرای اصلاحات ساختاری، ترکیه راه خود را به سوی اقتصاد بازار آغاز کرد.

در زمینه اصلاحات ساختاری، ترکیه به بانک مرکزی استقلال داد. قانون بانکداری جدیدی تدوین، مقررات و نظارت در بخش بانکداری را متحول و سامانه تامین اجتماعی را به منظور مهار کسری‌ها بازسازی کرد و سیاست‌های مالیاتی و اجرایی خود را مورد بازنگری قرار داد. برنامه خصوصی سازی بزرگی به اجرا درآمد که به انحصار دولت در بسیاری از بخش‌ها پایان بخشید. با خصوصی سازی بخش حامل‌های انرژی، قیمت آن به طور کامل آزاد شد. ترکیه برای نظارت بر عملکرد بازارها در بخش‌های تازه آزاد شده ای مانند انرژی، از سازمان‌های نظارتی مستقل بهره گرفت. برای بهبود فضای کسب و کار، کاهش روال اداری و افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد اقدامات زیادی صورت گرفت. سیاست‌های سختگیرانه مالی باعث شد کسری بودجه دولت از ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۱ به حالت تعادل در سال ۲۰۰۶ برسد. در نتیجه نسبت بدهی خالص دولتی ترکیه به تولید ناخالص داخلی کشور از ۹۰ درصد در سال ۲۰۰۱ به نصف یعنی ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۶ تقلیل یافت. در مقابل میانگین نرخ رشد در دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۲ به هفت درصد رسید و نرخ تورم از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۱ به کمتر از ۱۰ درصد در سال ۲۰۰۶ سقوط کرد.

استقلال بانک مرکزی ترکیه چه نقشی در کنترل تورم این کشور داشت؟

استقلال بانک مرکزی یکی از عوامل کلیدی موفقیت ترکیه در مقابله با تورم به شمار می‌رفت. اصلاح قانون بانک مرکزی در سال ۲۰۰۱ به این بانک استقلال عملیاتی بخشید، کمیته سیاست پولی را تجدید ساختار و ثبات قیمت را به عنوان هدف اصلی سیاست پولی تعریف کرد.

این قانون بانک مرکزی را ملزم می‌ساخت بر کاهش تورم تا سطوح مورد هدف متمرکز شود و همچنین بانک مرکزی را از تامین مالی کسری بودجه دولتی منع می‌کرد. علاوه بر این، بانک مرکزی متعهد شد از دخالت در بازار ارز دست بردارد.

تحت چارچوب جدید پولی که "هدف گذاری تلویحی تورم" نام گرفت، دولت و بانک مرکزی به طور مشترک هدف تورمی را تعیین، و از اهداف مهار رشد پایه پولی و نرخ تورم برای رسیدن به سطح انتظارات استفاده کردند. رییس کل بانک مرکزی تصمیم گیری های مرتبط با سیاست های پولی را در جلسات ماهانه انجام می‌داد و کمیته سیاست پولی هم نقش مشاورتی داشت.

پس از طی دوره گذار در سال ۲۰۰۵ بانک مرکزی در سال ۲۰۰۶ سیاست "هدف گذاری کامل تورم" را اتخاذ و اهداف تورم نقطه ای را در چارچوبی چند ساله اعلام کرد. کمیته سیاست پولی به جای رییس کل وظیفه تصمیم گیری را بر عهده گرفت و بانک مرکزی انتشار فصلی گزارش تورم را آغاز کرد.

فکر می‌کنید کنترل تورم در ایران دارای هزینه هایی برای بخش تولید است؟

به تازگی مقاله ای در مورد تقابل تورم و تولید در ایران، در گزارش مشاورتی ماده چهار سال ۲۰۱۴ خود ارائه کرده ایم. مقاله ما بیان می‌کند هزینه کاهش تورم در ایران برای تولید اندک است چرا که تولید در مقابل تغییر قیمت ها حساس نیست و تورم نیز چسبندگی ندارد. در ترکیه، تجربیات گذشته در مورد تورم بالا و چسبندگی چالش های جدیدی بر سر راه مدیریت انتظارات تورمی قرار می‌داد و مقابله با تورم می‌توانست هزینه های زیادی برای تولید داشته باشد. همان طور که گفته شد رشد ترکیه هنگامی آغاز شد که در دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۶ تورم روندی نزولی در پیش گرفت و بیکاری افزایش پیدا نکرد. اصلاحات ساختاری بزرگ و پایان دادن به سلطه مالی عناصری کلیدی در راهبرد ترکیه بودند تا بتوانند انتظارات تورمی را بشکنند.